

الگویابی تشخیص عناصر مذهبی در شهر مزارهای ایران

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۱۲/۲۸

مهدی حمزه نژاد* - فرزاد زرین قلم**

چکیده

موضوع تشخیص عناصر مذهبی در شهرهای ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است و در شهرمزارها (شهرهایی که دارای مزارهای مهم در ابعاد فرامنطقه‌ای هستند) به‌ویژه در دوره‌های زیباگرایی شهری (شیوه آذری به بعد)، الگوهای مختلفی برای آن وجود داشته است. امروزه با توسعه زیارتگاه‌های شهری، پیروی از الگوهای مختلف در بُعد تشخیص، تفاوت‌هایی را در شهرمزارها آشکار نموده است. روش ایجاد تشخیص در دو بخش کلی پلان شهری و سیمای شهری (حجم، نما، ارتفاع و تزئینات بنا) قابل بررسی است. تفاوت‌ها در اولویت‌دادن به تشخیص بناها بیشتر ریشه در ایدئولوژی و تفکر مردم، حاکمان و سازندگان دارد. هدف این پژوهش ریشه‌شناسی این تفاوت‌ها در سنت تاریخی و یافتن نسبت آن‌ها با فرهنگ امروز ایران به منظور الگوگیری از آن‌ها در طرح‌های جدید توسعه مجموعه‌های مذهبی است. برای این منظور از روش پدیدارشناسی تاریخی و مطالعات اسنادی استفاده شده است و با انتخاب مهم‌ترین شهر مزارهای ایران، وضعیت تشخیص در سیما و سازماندهی فضایی مورد بررسی قرار گرفت. بدین‌گونه، براساس یافته‌های به‌دست آمده، از دوره آذری به بعد دو الگوی اصلی در شهرمزارها به رقابت پرداختند. گونه مزارگرا یا خانقاه‌گرا همچون بسطام و نطنز که مزار، شاخص کل شهر شده و مسجد و سایر بناها با حالتی کاملاً خفته و پنهان در کنار آن قرار می‌گیرند؛ و به‌عکس در گونه مسجدگرا (گونه دوم) در کنار مزار، مسجد یا مصلاهی مهمی با تشخیص بیشتر نسبت به زیارتگاه ایجاد می‌شود تا بُعد توحیدی و الهی مجموعه را تأکید کند. نمونه‌های مشهد و قم از مصادیق مهم این الگو هستند.

واژگان کلیدی: شهرمزار، تشخیص، خانقاه، مسجد، زیبایی‌گرایی.

* استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

** کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).

Email: farzad.zar@gmail.com

مقدمه

ایران، پس از ورود اسلام با شیوه‌های متفاوتی در معماری و شهرسازی روبه‌رو بوده است. مرحوم پیرنیا چهار شیوه خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی را تفکیک و تشریح نموده است (Pirnia, 2008a, p. 24). این شیوه‌ها علاوه بر آن که از لحاظ معماری نظیر تزئینات، هندسه، فرم و بسیاری موارد دیگر تفاوت داشتند (Ibid, pp. 26-36)، در بُعد شهری بناها همچون میزان تشخیص بناها نیز دارای تفاوت‌های قابل توجهی بودند. چگونگی و میزان این تشخیص در عناصر ارسن شهری به موارد بسیاری از جمله رشد فرهنگی، تفکر و ایدئولوژی حاکمان و نگرش دولت‌ها و دولتمردان (Bodvan, 2000, p. 193) و همچنین به توان اقتصادی و فناوری سازندگان بنا مربوط می‌شده است. در شیوه آذری تشخیص در سیمای شهری اهمیت ویژه یافت. در این دوره تشخیص عناصر بیشتر مربوط به مساجد و مزارها (یا خانقاه‌ها) می‌شده است. باید توجه داشت تقلید از معماری و شهرسازی گذشته، باعث به‌وجود آمدن بناهایی بی‌معنی و بی‌مایه می‌شود. یکی از چالش‌های طراحی امروز، مطالعه تاریخ به‌منظور درک درس‌های آن برای معماری معاصر است که این امر از طریق مطالعات عمیق علمی صورت‌پذیر است (Pirani, 2002, p. 32). بدین منظور این پژوهش تلاش دارد که تشخیص در شهرمزارها را گونه‌شناسی نموده و رقابت و دوام هرگونه را تا عصر حاضر بررسی نماید، تا با تحلیل آن‌ها بتواند الگویی برای طرح‌های توسعه جدید بیابد.

برای تحقق این هدف، ارسن شهری پنج شهرمزار مهم کشور انتخاب و میزان تشخیص عناصر مهم مذهبی و زیباگرایی آن‌ها به روش پدیدارشناسی به شیوه‌ای که نوربرگ شولتز بیان کرده (سیماشناسی و موضع‌شناسی آثار و اسناد) بررسی شده‌اند. اسناد مربوط به این شهرها بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی به دست آمده است. محدودیت‌های موجود این پژوهش نیز دست‌یابی به اسناد اصیل و صحیح تاریخی و همچنین تغییر، تخریب و بازسازی بسیاری از قسمت‌های ارسن شهرهای مورد مطالعه است.

امروزه هویت از موضوعات و مفاهیمی بنیادی است که مراتب و جلوه‌های آن برای همه افراد، نیاز و مورد توجه است. در این میان شهرها از بارزترین و ملموس‌ترین جلوه‌های فرهنگ بشری و نمایشگر هویت هستند (Danesh, 2010, p. 15)، و به دلیل نمایش هویت شهرهای ایران به‌وسیله بناها و عملکردهای معنوی و عمومی (Naghi-Zadeh, 2010b, p. 108)، بررسی این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین از آنجا که خطر بی‌مایگی، چهره بیشتر قسمت‌های جدید، شهرهای ما را تهدید می‌کند، بنابراین طراحی بر مبنای اصول فکری صحیح ضروری می‌نماید (Bor, 1996, p. 28). این گونه‌شناسی تشخیص عناصر می‌تواند راهگشای طراحی شهری و معماری معاصر باشد.

۱. تشخیص و زیبای‌شناسی

۱-۲-۱- تشخیص در ارسن شهری

برای مطالعه تشخیص عناصر در این پژوهش از سیماشناسی و موضع‌شناسی استفاده شده است که در این جا به بررسی مختصر آن‌ها پرداخته خواهد شد:

۱-۲-۱- سیماشناسی و زیبای‌شناسی سیمای شهر

سیماشناسی یا مورفولوژی به «چگونگی» بناها مربوط است. ارتباط بنا با زمین و آسمان و گشودگی‌ها در سیماشناسی اهمیت دارد (Norberg-Schulz, 2008a, p. 40). در این پژوهش با بررسی‌های عکس‌های هوایی، پرهیب^۱ شهری، ترکیب حجم‌های موجود و همچنین منظر شهری، به تشخیص سیمای ارسن شهری پرداخته می‌شود. در حقیقت برای مطالعه این بخش؛ چهره، سیما و پیکر شهر (Mozayyeni, 2010, p. 50) مورد بررسی قرار می‌گیرند. سیمای شهری علاوه بر بُعد منطقی، ابعاد مهم زیباشناسی و هویتی دارد.

تاکنون تقسیم‌بندی‌های مختلف و متفاوتی از زیبای‌شناسی مطرح شده است. از این میان، تقسیم‌بندی سانتایانا از زیبای‌شناسی تحت عنوان زیبای‌شناسی حسی، فرمی و نمادین هنوز معتبر است (Lang, 2007, p. 206). البته دسته‌بندی‌های دیگر تحت عناوینی چون زیبای‌شناسی مادی، معقول، معنوی و غیره نیز وجود دارد (Naghi-Zadeh, 2010a, p. 74) که در مطالعه تشخیص کالبدی بناها استفاده شده‌اند.

در مورد زیبای‌شناسی حسی دانش کمی وجود دارد و تحلیل‌های موجود نیز به‌شدت ذهنی و درونی‌اند (Lang, 2007, p. 206). به‌عبارتی دیگر برانگیختن حواس (دیدن، شنیدن و غیره) به وسیله رنگ، بو، صدا، بافت و مواردی از این دست می‌باشد (Lang, 1992, p. 11). شاید بتوان گفت کیفیت‌های حسی از مهم‌ترین عوامل درک زیبای‌شناسی شهرها هستند (Berleant, 2007, p. 81).

موضوع زیبای‌شناسی فرمی ارزش‌های اشکال و سازه‌های محیط است. در معماری موضوعات اصلی زیبای‌شناسی فرمی بیشتر نقش و تأثیر اشکال، تناسبات، ریتم، مقیاس، پیچیدگی، رنگ، سایه و روشن محیط ساخته شده و طبیعی و

همچنین صحنه‌های پیاپی قابل مشاهده در محیط هستند (Porteous, 1996, p. 22).

زیبایی‌شناسی نمادین به معانی بالقوه نمادین از محیط ساخته شده برای مردم می‌پردازد. درک این معانی بر روی احساسات مردم مؤثر است و باعث احساس خوشایندی در آن‌ها می‌شود (Porteous, 1996, p. 22). همچنین هویت یافتن با معانی نمادین محیط ساخته شده احساس تعلق مردم را به یک گروه اجتماعی یا یک مکان افزایش می‌دهد (Lang, 2008, p. 230).

۲-۲-۱- موضوع‌شناسی و کارکرد

موضوع‌شناسی یا توپولوژی، نظام فضایی را مورد بررسی قرار می‌دهد (Norberg-Schulz, 2008a, p. 42). بناها علاوه بر این که برای خودشان معنای خاص دارند، در کنار هم به صورت مجموعه عمل می‌کنند و معنای جدیدی را به خود می‌گیرند (Parisarad, 2008). تناظر فضایی لحظه‌های کاربرد معمولاً با موضوع‌شناختی و هندسه سامان می‌یابد (Norberg-Schulz, 2008b, p. 207). در این پژوهش برای بررسی این مورد بیشتر از پلان‌ها کمک گرفته شده تا بتوان آرایش فضایی را در آن‌ها یافت. مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در موضوع‌شناسی کارکرد اجزاء و روابط آن‌ها است. بعد منطقی این مطالعات بیشتر از سیماشناسی است.

۲. گونه‌شناسی ادواری تشخیص در ارسن شهری و جایگاه دوره‌های مورد پژوهش

برخی پژوهش‌ها سیر تشخیص در عناصر ارسن شهری ایران را در چهار دوره شهرسازی از یکدیگر تفکیک کرده‌اند که در هر دوره شاخصه‌های متفاوتی برای تشخیص بخشی دنبال می‌شده است (Hamzehnejad & Zarringhalam, in press). مهم‌ترین ویژگی‌های هر دوره به طور خلاصه چنین است:

جدول ۱: گونه‌شناسی تشخیص عناصر شهری در سبک‌های شهرسازی ایران دوران اسلامی

دوره	شیوه	چگونگی تشخیص عناصر	بناهای دارای بیشترین تشخیص	نمونه (ها)
خراسانی (قرن ۱، ۲ و ۳)	ضرورت‌گرا / کارکردگرا (شهر خفته)	تشخیص در پلان و براساس ضرورت	پرمراجعه و ضروری (مسجد)	نائین
رازی (قرن ۴، ۵ و ۶)	زیبایی‌گرای کارکردی	آغاز زیبایی‌گرایی در سیمای شهری	مسجد مسجد-مدرسه	اصفهان (دوره رازی) اردستان، زواره
آذری (قرن ۷، ۸ و ۹)	زیبایی‌گرای خیال‌گرا مزارمحور	اوج زیباگرایی در سیمای شهری	مزار / خانقاه	نطنز، بسطام، ری، تربت‌جام
	زیبایی‌گرای خیال‌گرا مسجدمحور	اوج زیباگرایی در سیمای شهری	مسجد	مشهد، قم
اصفهانی (قرن ۱۰، ۱۱ و ۱۲)	همه‌جانگی تعادل محور	تعادل‌گرایی	همه موارد به صورت سلسله‌مراتبی	اصفهان (شهر صفوی) مشهد (شهر صفوی)

(Hamzehnejad & Zarringhalam, in press)

دوره اول و دوم: در دوره اول تشخیص بیشتر در پلان شهر مشاهده می‌شود و مربوط به بناهای پرکاربرد و براساس ضرورت ایجاد شده است. در سیمای شهری این دوره تقریباً هیچ‌گونه زیبایی‌گرایی دیده نمی‌شود. در دوره دوم (همزمان با شیوه رازی) زیبایی‌گرایی در سیمای شهری شروع می‌شود؛ زیبایی‌گرایی حداقلی که بیشتر مربوط به مساجد است. مسجد جامع اصفهان نمونه‌ای از این الگو است.

دوره سوم: زیبایی‌گرایی در سیمای شهرهای این دوره به اوج خود می‌رسد. عوامل مختلفی از جمله تکامل انسان و همچنین پیشرفت‌های فنی مانند تولید آجرهایی با رنگ‌های جدید و استفاده آن‌ها در نمای بیرونی بناها (Petersen, 1996, p. 121) در این زیبایی‌گرایی نقش داشتند. زیبایی‌گرایی این دوره در دو الگوی کلی مزارمحور و مسجدمحور نمایان است. هر دوی این الگوها تا دوره‌های بعد پیگیری شده‌اند. این دو الگو دارای نوعی تضاد با یکدیگر هستند.

دوره چهارم: تشخیص در سیمای پلان به تعادل رسیده و اهمیت و ضرورت، هر دو در ایجاد تشخیص بناها نقش دارند. شاخص‌ترین نمونه‌های این دوره را در عصر صفوی شاهد هستیم.

زیبایی دو دوره ابتدایی را می‌توان در حوزه زیبایی معقول و دو دوره آخر را زیبایی معنوی، برشمرد. در میان این دوره‌ها، دوره سوم و چهارم برای ما اهمیت ویژه دارد، چرا که از یک سو به تدریج تفکر و اندیشه شیعی در کشور حاکم می‌شود و از سوی دیگر تفکر زیبایی‌گرایی در سیمای شهری اهمیت می‌یابد.

۳. شهرهای زیبایی‌گرای خیال‌گرا

در معماری و شهرسازی اسلامی عنصر معنویت و مفاهیم معنوی در بیشتر مواقع مؤثر واقع می‌شدند و انکار آن‌ها در طول تاریخ شهرسازی دوران اسلامی ممکن نیست (Arkoun, 2002, p. 8). مبانی نظری مختلفی در قرن ۶ و ۷ هجری، ظهور عنصر خیال در سیمای مذهبی شهرها را بارزتر کرد. عرصه شهری نیز کالبدی تشبیهی از سلطه و اقتدار معنوی بر شهر و در عین حال نمایی از مهربانی و عطوفت صاحب مزار را شکل داد (Zargar & Mortazavi, 2007, p. 60). ثمره این تحولات، ظهور نمادپردازی‌های مفهومی در عرصه سیمای شهر و معماری بناهای مذهبی است که در قالب هندسه، رنگ، تزئینات، ارتفاع، حجم و غیره ظاهر شد. با این همه، ارسن شهری شهرهای این شیوه در دوره آذری در دو الگوی مزارمحور و مسجدمحور قابل تفکیک هستند. در حقیقت معماری و مذهب ارتباط دو سویه با یکدیگر دارند. در همان حال که مذهب بر روی شهر و معماری تأثیر گذاشته، با نگاه به معماری، می‌توان به گذشته مذهب نیز پی‌برد (Amadalass, 2007, p. 67).

در ادامه نمونه‌هایی از الگوی مزارمحور و مسجدمحور بررسی می‌شوند.

۱-۳- الگوهای زیبایی‌گرایی مزاری

در این جا به ترتیب سیر تاریخی به بررسی ارسن شهرهایی پرداخته می‌شود که الگوی زیبایی‌گرایی مزاری را در پیش گرفته‌اند.

نمونه اول: ارسن شهری بسطام

مسجد جامع و مجموعه مزار و خانقاه بایزید، دو عنصر مهم در ارسن شهری بسطام هستند. مسجد جامع شهر، ورودی بسیار ساده‌ای دارد و در مقیاس پیکر شهر در بافت نمایان نیست. این مسجد نمای شاخصی ندارد و هیچ محوری اصلی به آن نمی‌رسد. می‌توان گفت مسجد جامع در بافت حالتی خفته دارد. تنها عامل دارای تشخیص مجموعه، برج کاشانه است که این بنا آرامگاه فرزند سلطان محمد الجایتو (شاه ایلخانی) می‌باشد (Beller, 2004, p. 153) و نمی‌توان آن را از لحاظ بصری و تشخیص متعلق به مسجد دانست.

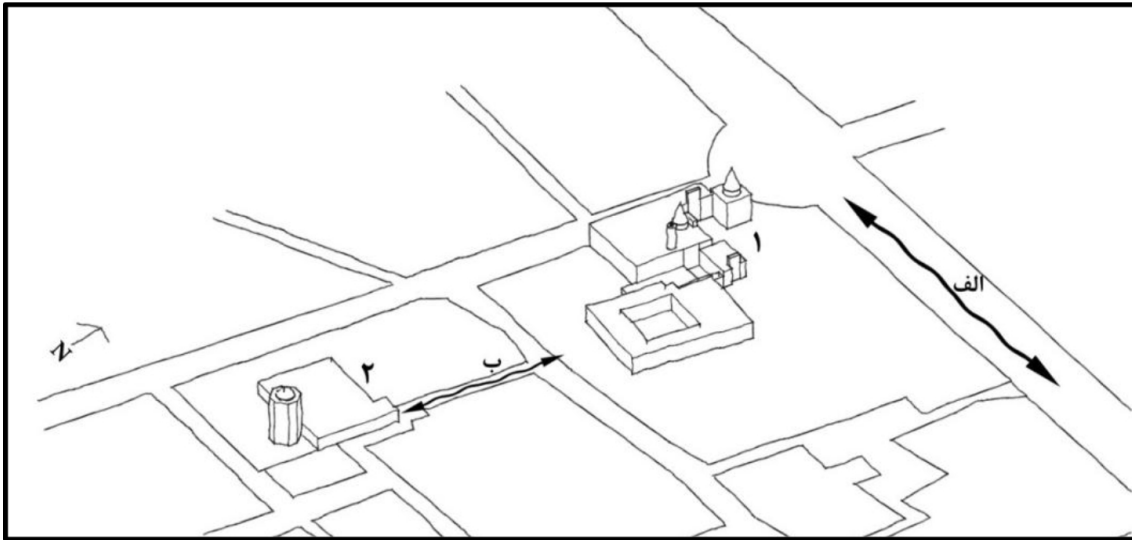
تصویر ۱: برتری تشخیص مجموعه مزار و خانقاه بایزید در پیکر ارسن شهر



پرهیب ارسن شهر بسطام، آ. مجموعه مزار و خانقاه بایزید ب. مسجد جامع و برج کاشانه (مسجد جامع در پیکر شهر نمایان نیست و تنها برج کاشانه که یک آرامگاه است تشخیص دارد و نمی‌توان تشخیص آن را مربوط به مسجد دانست).

مجموعه مزار و خانقاه بایزید بسطامی از لحاظ تشخیص در برابر مسجد جامع قرار دارد. مجموعه‌ای که با ساخت گنبدها و ایوان‌ها در حدود سال‌های ۷۰۰ قمری (Pirnia, 2008a, p. 229) دارای تشخیص زیادی شد. تشخیص سیمای کاملاً در ارسن شهر نمایان است و همچنین در بُعد پلانی، مجموعه مزار و خانقاه در کناره محور اصلی و تقاطع چندین راه قرار گرفته است. در صورتی که ورودی مسجد جامع در انتهای یک محور فرعی در داخل بافت قرار دارد.

تصویر ۲: تشخیص در سیما و پلان مجموعه مزار و خانقاه بایزید بسطامی



در پلان، مجموعه مزار در کنار محور اصلی و تقاطع راه‌های اصلی قرار گرفته (محور الف) در حالی که ورودی مسجد جامع در محور خیابانی فرعی قرار دارد (محور ب). بسطام، ۱. خانقاه و مزار بایزید بسطامی ۲. مسجد جامع.

همچنین نمای این مجموعه نسبت به مسجد جامع، تزئینات و جزئیات بسیار بیشتری دارد.

تصویر ۳: برتری تشخیص در سیمای شهری



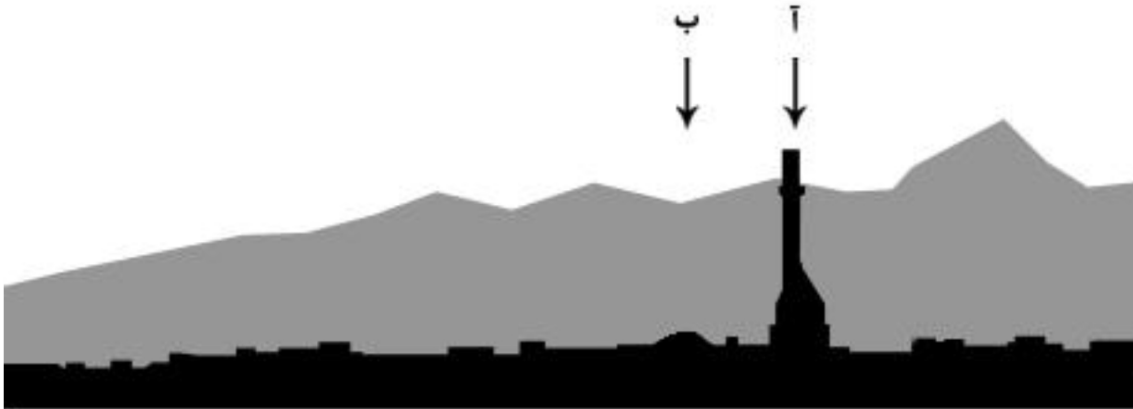
برتری تشخیص در سیمای شهری مجموعه مزار و خانقاه بایزید بسطامی (تصویر سمت چپ) با وجود گنبدها، تزئینات بیشتر و ایوان‌های مرتفع در مقایسه با مسجد جامع (تصویر سمت راست) با ورودی خفته و تزئینات بسیار کم، بسطام [مقیاس دو تصویر با یکدیگر متفاوت است].

مسجد جامع و برج کاشانه بسطام از بناهای دوره غازان‌خان (ایلخانی) هستند که بین سال‌های ۷۰۰ تا ۷۰۶ هجری ساخته شده‌اند. برخی بناهای مجموعه آرامگاه بایزید بسطامی (مانند آرامگاه، منار و خانقاه بایزید) در شیوه رازی ولی گنبد غازان‌خان و چند قسمت دیگر در شیوه آذری و در حدود سال ۷۰۰ قمری ساخته شده‌اند (Pirnia, 2008a, p. 229).

نمونه دوم: ارسن شهری نطنز

مسجد جامع و خانقاه شیخ عبدالصمد نطنز، از مهم‌ترین عناصر ارسن شهری نطنز هستند که بخش‌های مختلف آن‌ها در دوره ایلخانان پایان یافته است و از بناهای شیوه آذری محسوب می‌شوند (Pirnia, 2008a, p. 257). در این ارسن، مجموعه مزار و خانقاه از پرتشخص‌ترین عناصر هستند و تشخیص مسجد جامع و دیگر بناها، در درجات بعدی قرار دارند. منار و گنبد مزار در دورنمای شهر کاملاً مشخص است ولی گنبد مسجد جامع به دلیل خفگی و تزئینات بسیار کم، این‌گونه نیست.

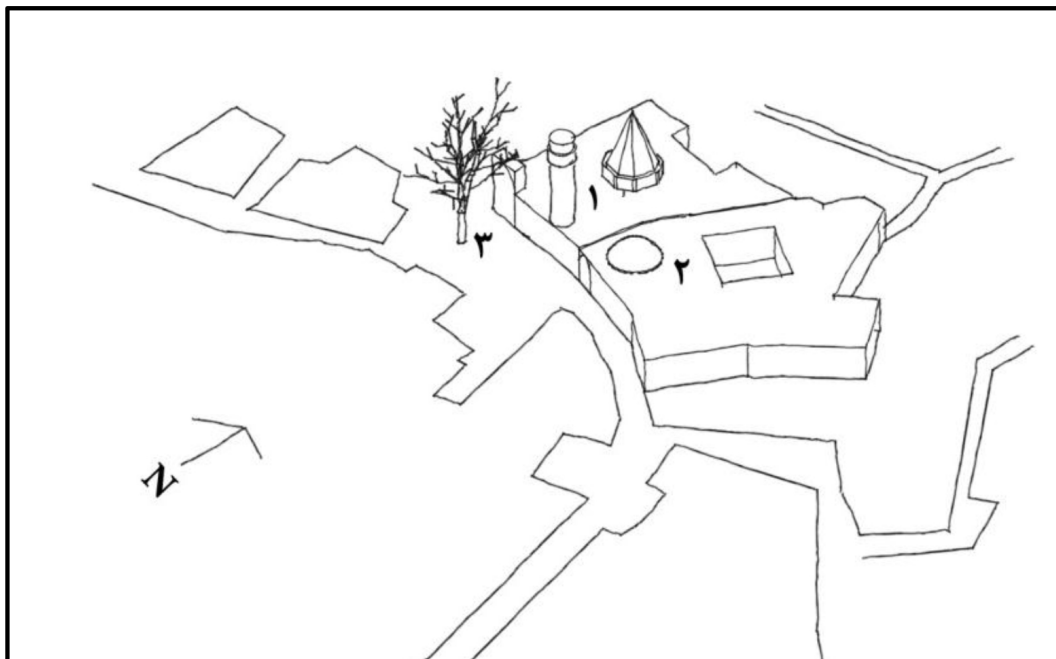
تصویر ۴: برتری تشخیص مزار و خانقاه شیخ عبدالصمد نطنزی نسبت به مسجد جامع در پیکر شهر



پرهیب ارسن شهری نطنز، آ. مناره و گنبد مزار و خانقاه شیخ عبدالصمد ب. گنبد مسجد جامع

مسجد تشکیل شده از یک شبستان هشت ضلعی گنبددار بسیار ساده و خفته به طوری که مسجد با آن که مسجد جامع است به هیچ وجه دارای تشخیص شهری نیست. ورودی اصلی مسجد در قسمت جنوبی و به میدانچه مقابل مزار نزدیک است ولی در محور اصلی میدانچه قرار ندارد. دو ورودی دیگر مجموعه در قسمت شمالی و در کوچه‌های باریکی قرار گرفته‌اند.

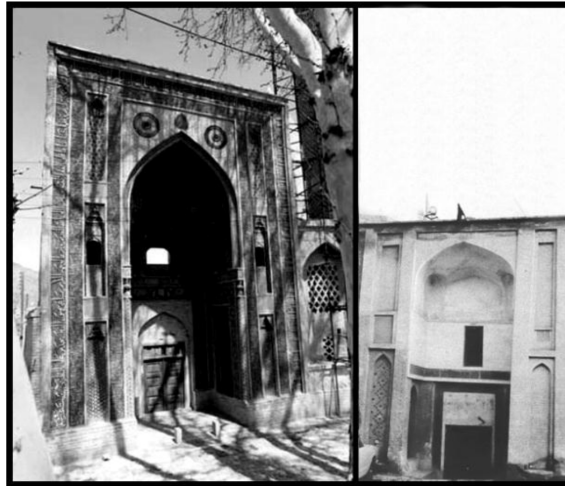
تصویر ۵: تشخیص مزار و خانقاه در سیمای شهر



تشخیص ایجاد شده توسط گنبد، مناره بلند و ورودی با عظمت در خانقاه، بسیار بیشتر از مسجد جامع است. نطنز، ۱. مزار و خانقاه شیخ عبدالصمد نطنزی ۲. مسجد جامع ۳. میدانچه جلوی مزار

بنای مسجد و بنای خانقاه به یکدیگر متصل است. بر روی بقعه گنبدی هرمی شکل، کنار آن منار و در جلوی آن سردر کم‌نظیر و زیبایی خانقاه (ورودی اصلی) قرار گرفته است (Azam Vaghefi, 1995, p. 54). ورودی خانقاه شیخ عبدالصمد بسیار بزرگ‌تر از ورودی مسجد است و تزئینات بیشتری دارد. این ورودی دقیقاً در محور اصلی میدانچه و مقابل درخت چنار تاریخی و با عظمت قرار دارد. درخت چنار رکن مهم بسیاری از مزارها و خانقاه‌ها است که در بیشتر مساجد وجود ندارد.

تصویر ۶: ایجاد تشخیص بیشتر در ورودی خانقاه به وسیله تزئینات و ارتفاع بیشتر سمت راست سردر مسجد جامع، سمت چپ سردر خانقاه، نطنز



(Azam Vaghefi, 1995)

به طور کلی مکتب شهری شیراز را می توان یکی از بهترین نمونه های این الگو دانست که در همان دوره ایلخانی و تیموری و همزمان با ساخت مجموعه نطنز از مهم ترین مکاتب تمدن اسلامی بوده است.

تصویر ۷: تشخیص در مجموعه خانقاه و مزار شیخ عبدالصمد
قرار گرفتن چنار در مقابل سردر خانقاه و اهمیت دادن بیشتر به مزار، نطنز



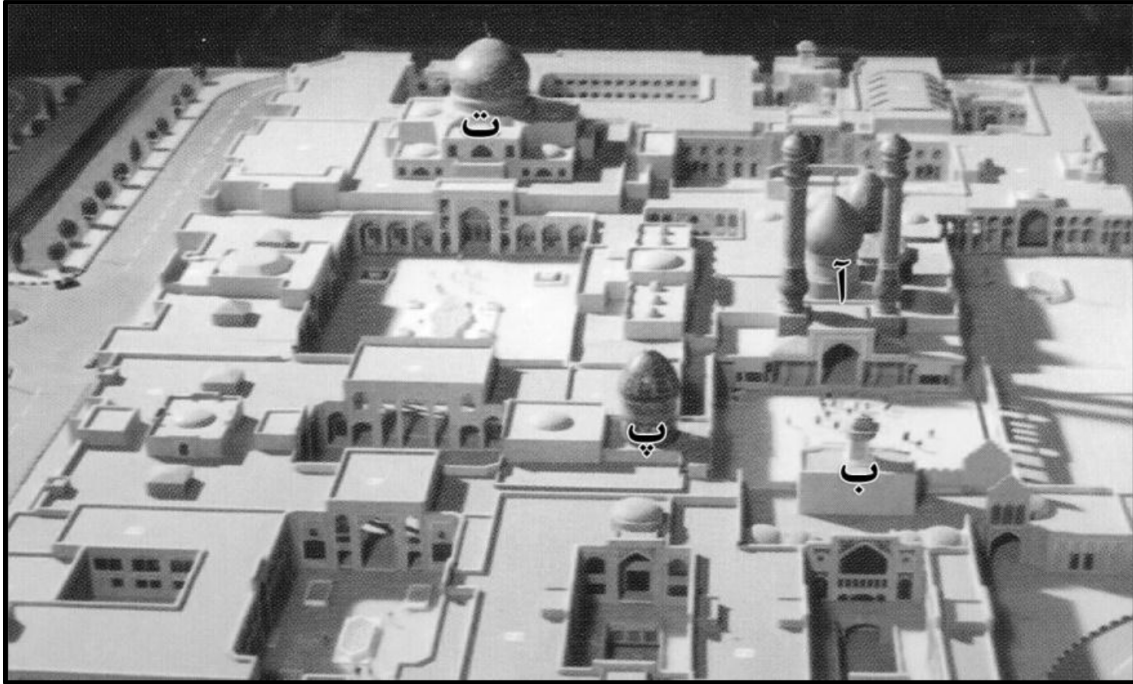
(<http://www.panoramio.com>)

نمونه سوم: ارسن شهری ری

مجموعه حرم حضرت عبدالعظیم و مسجد جامع ری از عناصر اصلی شهر ری هستند که در کنار یکدیگر قرار گرفته اند. بناهای مجموعه حرم از گذشته تا کنون تغییراتی را شامل شده است (همچون ایجاد دو گنبد غیر از گنبد حرم حضرت عبدالعظیم و همچنین چند مناره که در دوره قاجار احداث شده اند) (Mehrazan Consulting Engineers, 2007, p. 67). بنای اصلی و نخستین حرم حضرت عبدالعظیم در نیمه قرن سوم هجری تعمیر اساسی شد و درگاه اصلی ورودی آن که در شمال مجموعه قرار دارد، نخست در زمان آل بویه و سپس در دوره قاجار تکمیل و تزئین شد (<http://www.abdulazim.com>). مسجد جامع ری نیز که در دوره قاجاریه ساخته شده است، در قسمت شمالی حرم قرار دارد. این مسجد جامع

نسبت به حرم حالتی پنهان دارد، به گونه‌ای که در نگاه نخست نمایان نیست. مسجد، فاقد گنبد و مناره و تزئینات آن نسبت به حرم بسیار اندک است. ورودی مسجد نیز حالتی خفته دارد.

تصویر ۸: تشخیص حرم حضرت عبدالعظیم در ارسن مجموعه و حالت خفته مسجد جامع
 آ. حرم حضرت عبدالعظیم ب. مسجد جامع پ. امامزاده طاهر ت. مصلی، عکس از ماکت مجموعه حرم حضرت عبدالعظیم



(<http://www.abdulazim.com>)

مصلاهی جدید خلاف الگوی گذشته (مزارمحوری) میان مسجدجامع و حرم حضرت عبدالعظیم، با تشخیص نسبتاً زیادی در سیما و پلان خودنمایی می‌کند. در سیما با ایجاد گنبدی بزرگ و در پلان با قرار دادن مصلی در انتهای محور اصلی و وسیع و همچنین ایجاد صحن‌های بزرگ، تشخیص ایجاد شده است. این امر اهمیت هرچه بیشتر این گونه‌شناسی و ضرورت آن را به دلیل توسعه روز افزون چنین مجموعه‌هایی، مشخص می‌کند تا بتوان طرح‌های جدید را براساس پایه‌های استوار گذشته بنیان نهاد و هدف‌دار نمود.

تصویر ۹: برتری تشخیص حرم در سیمای ارسن زیارتی مجموعه حرم حضرت عبدالعظیم

تشخیص در سیما و پلان مصلی که در دوره معاصر احداث شده است از الگوی مسجد محور پیروی می‌کند. ۱. حرم حضرت عبدالعظیم. ۲. مسجد جامع. ۳. امامزاده طاهر. ۴. امامزاده حمزه. ۵. مصلاهی جدید



(<http://www.abdulazim.com>)

از آن جا که دو مسجد جامع در شهر ساخته نمی‌شده است (Pirnia, 2008b, p. 294) و مهم‌ترین مسجد جامع ری که از سده نخست اسلامی بوده، همین مسجد است، و ارتفاع آن از ساختمان مزار آل بویه (که قسمتی از آن باقی‌مانده است) هم کمتر است، می‌توان وجود این الگو را در این مجموعه به سال‌های دوره رازی نیز بازگرداند. این خود سبب ریشه‌یابی و اصالت بیشتر این الگو نسبت به الگوهای دیگر می‌گردد.

تصویر ۱۰: تشخیص در مجموعه شهر ری

سادگی در سیمای مسجد جامع و باز بودن سمت قبله با پنج‌دری به دلیل دید به مزار حضرت عبدالعظیم، مسجد جامع



(<http://www.abdulazim.com>)

۲-۳- الگوهای زیبایی‌گرای مسجد

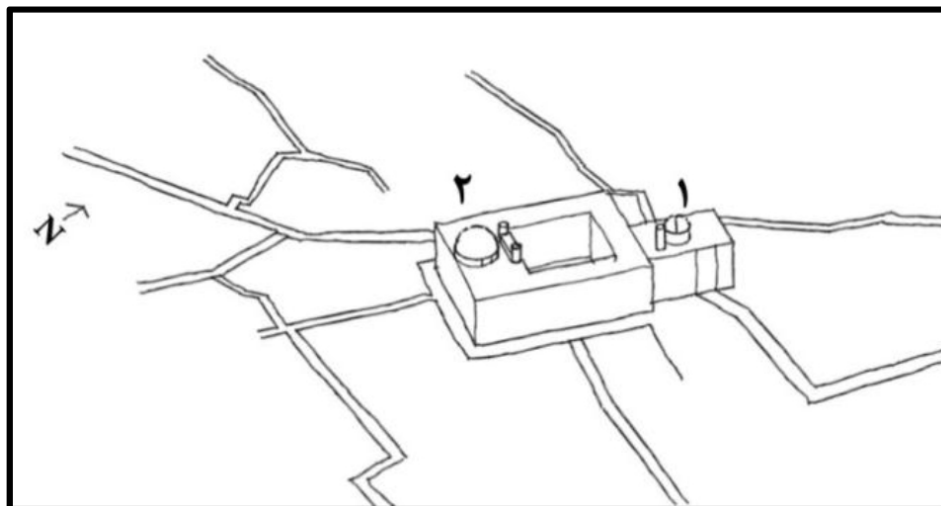
توجه به مساجد از آغاز ظهور دین اسلام وجود داشته است و حضرت محمد (ص) خودشان در اولین گام تشکیل حکومت اقدام به ساخت مسجد نمودند، هرچند که این مساجد در اوج سادگی بودند (Taghvayi & Maroofi, 2010, p. 224). به تدریج با گذر زمان و برآورده شدن برخی نیازها، نیازهای زیبایی‌شناختی انسان (که سطح بالاتری داشتند)، ظهور پیدا کرد (Maslow, 1995, p. 12-17) و به تدریج مسلمانان تلاش کردند این حس را در کالبد عناصر مذهبی به تصویر کشند. به نظر می‌رسد مسلمین در این دوره ابتدا با یک تحول فرهنگی، نوآوری‌ها و تحولات هنری و معماری خود را در بناهایی غیر از مسجد همچون مزار و خانقاه تجربه کردند. هنگامی که کمی از شدت و بداعت آن کاسته شد در تحول دوم، مساجد را در رقابت با مزارها و برتر از آن‌ها قرار دادند. ظهور چنین رقابت‌هایی در دوره ایلخانی و تیموری سبب شد که پس از دوره اولیه، شکوه‌مندی مزارها برخی به سمت شکوه‌بخشی بیشتر به مساجد جهت‌گیری کردند. ایدئولوژی و اندیشه مذهبی حاکمان و سازندگان وقت در این تحول نقشی اساسی داشت. در ادامه تحول الگوی تشخیص به سوی مسجد، مورد بحث قرار می‌گیرد.

نمونه اول: ارسن زیارتی شهر مشهد

ارسن زیارتی شهر مشهد دارای بناهای مختلفی است که حرم حضرت رضا (ع) و مسجد گوهرشاد دو عنصر مهم مجموعه هستند. مجموعه حرم امام رضا (ع) در دوره‌های زمانی مختلفی شکل گرفته است. ولی بیشتر توسعه‌ها و تغییرات مربوط به دوره‌های تیموری، صفوی و قاجار هستند (Rezvani & Ayati, 2005, p. 275). بقعه اولیه‌ای که مأمون برپا کرد با نمایی گلین و کم‌تزیین، تشخیص کمی دارد. سلطان مسعود غزنوی بقعه را با آجر بازسازی و مناره‌ای هم به آن اضافه کرد که تشخیص سیمایی بالاتری یافت. سلطان سنجر و سلطان محمد خدابنده هر یک در افزودن به ارتفاع و تزیین بیشتر گنبد حرم تلاش نمودند (Ghezeli & Eskandari, 2006, p. 14-16).

مسجد گوهرشاد که اولین مسجد جامع شهر بود در دوره تیموری و در زمان شاهرخ ساخته (Ghezeli & Eskandari, 2006, p. 17) و به رکن اصلی منظر شهری تبدیل شد. احتمالاً تا پیش از این به دلیل وجود بارگاه امام رضا (ع) نیاز به وجود مسجد جامع احساس نمی‌شده است. مسجد بالای سر ایلخانی بسیار کوچک و معطوف به حرم است، در حالی که مسجد گوهرشاد با گنبد و مناره‌هایش دارای تشخیص بالایی است، طوری که در ارسن مجموعه بالاترین تشخیص در نما را داراست. همچنین در آن زمان صحن مسجد گوهرشاد بزرگ‌ترین صحن بوده است. البته تشخیص حرم در آن موقع بسیار کم‌جلوه‌تر از امروز بوده و تشخیص با طلاکاری گنبد و توسعه ورودی‌ها و غیره در نما و پلان توسط صفویان انجام گرفت (Ghezeli & Eskandari, 2006, p. 18).

تصویر ۱۱: تشخیص مسجد گوهرشاد نسبت به حرم



تشخیص در سیمای ارسن شهری به‌وسیله ارتفاع و عظمت بیشتر گنبد آن و تشخیص پلانی با ابعاد بزرگ‌تر و قرار گرفتن مسجد (در جهت قبله) در جلوی حرم، ۱. گنبد و حرم امام‌رضا (ع) ۲. مسجد گوهرشاد، مشهد

این مسجد در قسمت جنوبی حرم احداث می‌شود، طوری که رو به قبله و پشت به بارگاه است. مسجد گوهرشاد به هیچ وجه حالت خفته ندارد و کاملاً نمایان است. این موضوع نشان می‌دهد که استاد قوام‌الدین شیرازی قصدی آگاهانه داشته

تا سنت تشخیص مزاری شیراز را تغییر دهد و مسجد گوهرشاد را در نما و پلان دارای تشخیص بیشتر نماید. شاید دلیل بستر اعتقادی حاکم بر شرق کشور به ویژه ازبکان (که متعصبان اهل سنت بودند) عاملی بوده که سبب شده تلاش شود تشخیص مسجد از مزار بیشتر شود.

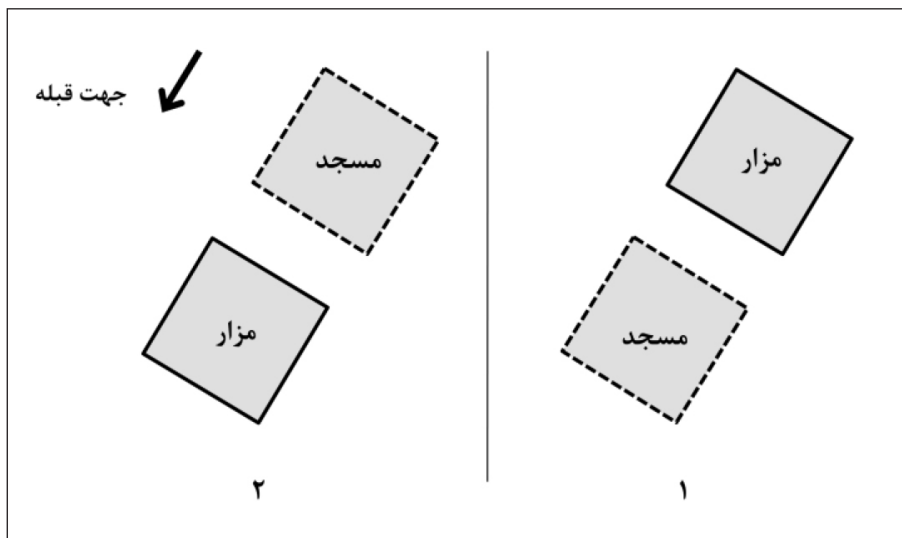
تصویر ۱۲: تشخیص مسجد گوهرشاد نسبت به حرم در ارسن مجموعه



ایجاد تشخیص به وسیله گنبد مرتفع و بزرگ، مناره‌ها و ایوان رفیع. مشهد، حرم امام رضا (ع) در سمت چپ تصویر و مسجد گوهرشاد در سمت راست مشاهده می‌شود، تصویر مربوط به دهه ۵۰ است (Kiani, 2008, p. 472)

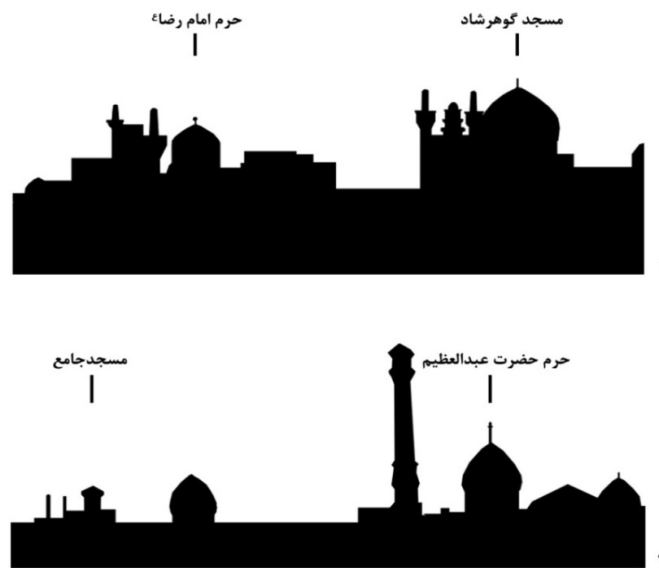
دو الگوی مزار/ خانقاه محور و مسجد محور اگرچه از لحاظ زیباگرایی هر دو به دنبال تشخیص هستند ولی از لحاظ معنایی در مقابل یکدیگر قرار دارند.

تصویر ۱۳: مقایسه تشخیص پلانی در دو الگوی ۱. مسجد محور و ۲. مزار محور



در الگوی مسجد محور مسجد نسبت به قبله در موقعیتی جلوتر از مزار قرار می‌گیرد، ولی در الگوی مزار محور، مزار نسبت به قبله جلوتر از مسجد است، طوری که انجام مراسم عبادی در مسجد رو به مزار دارد

تصویر ۱۴: مقایسه تشخیص در پیکر ارسن مجموعه حرم امام رضا (ع) (الگوی مسجد محور) و حرم حضرت عبدالعظیم (الگوی مزار محور)

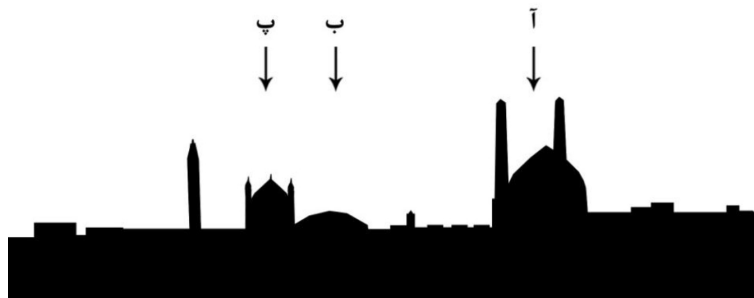


در الگوی مسجد محور تشخیص به مسجد تعلق دارد که به وسیله ارتفاع گنبد و بزرگی آن، مناره‌ها و ایوان‌های رفیع ایجاد شده است و الگوی مزار محور درست عکس آن می‌باشد. ۱. پرهیب مجموعه حرم امام رضا (ع) ۲. پرهیب مجموعه حرم حضرت عبدالعظیم.

نمونه دوم: ارسن زیارتی شهر قم

مزار حضرت معصومه (س) در کنار سه بنای مسجد بالاسر، مسجد اعظم و مصلاهی امام خمینی در کنار یکدیگر سه نمونه با الگوهای متفاوت از حالت تعدیل شده این الگو را به نمایش گذاشته‌اند. مسجد اعظم که در سال ۱۳۴۰ شمسی ساخته شد (Bagherli, 2007, p. 81) دارای گنبد، گلدسته‌ها و سه ایوان رفیع است. تشخیص مسجد در ارسن مجموعه بسیار زیاد است و تمام مجموعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Al-e Ahmad, 1994, p. 1208). میزان تشخیص این مسجد بسیار بیشتر از حرم حضرت معصومه (س) است و آشکارا تداوم الگوی تشخیص مسجد (همچون مسجد گوهرشاد) در آن دیده می‌شود.

تصویر ۱۵: تشخیص در مجموعه حرم حضرت معصومه (س)



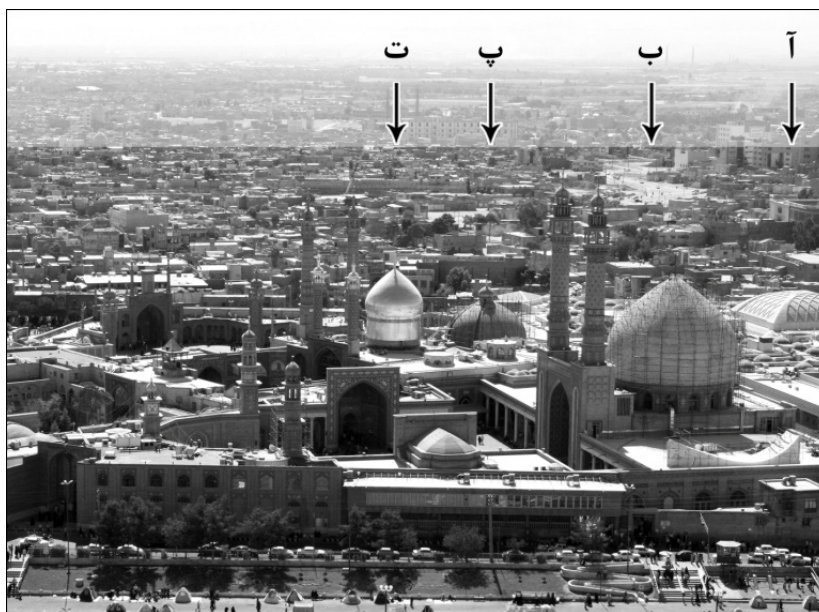
تشخیص مسجد اعظم (آ)، نسبت به حرم حضرت معصومه (س) (پ) و همچنین مسجد بالاسر که بدون تشخیص در پشت گنبد اصلی گم شده و مصلاهی اعظم جدید (ب) که به شکلی کاملاً خفته تلاش کرده تا اصالت تشخیص مزار را حفظ نماید، اگرچه مکان‌یابی قرارگیری در پیش‌رو و به سمت قبله قابل توجه است. دید از شمال شرقی

مسجد بالاسر (که دقیق‌تر باید آن را مسجد پیش‌رو دانست) متصل به حرم و فاقد تشخیص است و در ارسن مجموعه نمایان نیست. این مسجد که مربوط به عصر صفوی و شاه‌عباسی است، اگرچه نسبت به حجم مزار تشخیص ندارد ولی در

موقعیتی جلوتر نسبت به قبله قرار گرفته است، به طوری که در پلان آن را می توان تداوم مسجد گوهرشاد دانست ولی روش تشخیص سیمایی آن را رعایت نکرده است. شاید در این جلو قرار گرفتن مسجد، دفن شدن یک بانو (حکم جلوتر بودن مردان بر زنان در نماز) نقش داشته باشد.

طرح توسعه حرم حضرت معصومه (س) و مصلاهی جدید در دهه گذشته تلاش داشته تا تشخیص زیباشناسانه مزارگرا (تشخیص مزار و خفته بودن مصلی) را در سیمای ارسن شهری به نمایش گذارد.

تصویر ۱۶: برتری تشخیص مسجد اعظم نسبت به حرم حضرت معصومه (س)



برتری تشخیص در سیمای شهری و حالت خفته مصلی و مسجد بالاسر، قم، آ. مصلی ب. مسجد اعظم پ. مسجد بالاسر ت. حرم حضرت معصومه (س)، دید از سمت شمال غربی (<http://haram.masoumeh.com>)

۴. نتیجه گیری

دو الگو در چگونگی تشخیص عناصر مذهبی در شهر مزارهای ایران براساس مطالعه نمونه های آن قابل تفکیک است: الگوی مزارمحور و الگوی مسجدمحور. این دو الگو به طور آشکار ریشه های فکری متفاوت دارند و به نظر می رسد به منظور راه حل هایی معمارانه و شهرسازانه برای حل بحران ها در عصر تحول مذهبی ایران - یعنی قرن ۷ و ۸- (که به شدت درگیر تحول مذهبی از سنتی به شیعه بوده) مطرح می شده اند. الگوی مزارمحور به نقش خاص زیارت و انسان کامل در هدایت معنوی تأکید دارد و الگوی مسجدمحور بر اصل توحید و حذف واسطه های عبادی حساسیت نشان می دهد. این بحران ها اگرچه به تدریج با بحث های نظری اندیشمندان اسلامی و سیر طبیعی تکامل اندیشه در ایران پاسخ خود را یافت ولی هر دو الگوی کالبدی در دوره های بعد نیز به شکلی مبهم تداوم یافتند. به ویژه اهمیت و موقعیت مزار امام رضا (ع) سبب تأثیرگذاری الگوی آن در توسعه بسیاری از مزارهای بعدی بوده است، در حالی که این الگو تنها الگو و الزاماً بهترین الگو نیست و بر اساس مبانی شیعی الگوی مزارگرا برتری هایی دارد.

تشخیص معمولاً در سیما و پلان شهر ظهور می یابد. در این دو الگو تشخیص در سیما با روش هایی چون ایجاد گنبد و ایوان های بزرگ و رفیع، مناره های بلند و تزئینات نما، و تشخیص در پلان با قرار دادن عناصر در امتداد محورها، قرار دادن در موقعیتی جلوتر نسبت به قبله، قرار دادن در محور میدان ها و میدانچه ها و قرارگیری در تقاطع راه های اصلی؛ ایجاد شده است. خصوصیات این دو الگو در جدول زیر به طور خلاصه آمده است.

جدول ۲: خصوصیات دو الگوی مزارمحور و مسجد محور در تشخیص عناصر مذهبی در شهرمزارها

نام الگو	الگوی مزار و خانقاهمحور	الگوی مسجدمحور
نمونه‌ها	نطنز، بسطام، ری، تربت‌جام، مصلاهی جدید قم	مشهد، قم، مصلاهی جدید ری
شیوه	زیبایی‌گرایی خیال‌گرا	زیبایی‌گرایی خیال‌گرا
شروع دوره	ایلخانیان	تیموریان
مبانی نظری	تفکر مبتنی بر تصوف یا برخی گرایش‌های عرفانی تشیع	تفکر مبتنی بر اندیشه تسنن و برخی گرایش‌های فقهی تشیع
ویژگی‌های کالبدی	تشخص در عناصری چون مزار یا خانقاه، تزئینات، رنگ نمادین و خیال‌انگیز، مصالح فاخر (مسجد به صورت خفته)	تشخص مسجد، تزئینات، رنگ و شکوه نمادین و خیال‌انگیز، مصالح نیمه‌فاخر (مزار به صورت خفته)
چگونگی تشخیص	در پلان	قرار دادن مزار جلوتر از مسجد نسبت به قبله، قرار دادن مزار در محور اصلی و یا در مقابل میدانچه اصلی، استفاده از مسیرهای باغ‌راه و چارباغ و یا تک‌درخت‌های کهن‌سال
	در سیما	سلطه مزار بر شهر، ایجاد گنبد‌های شاخص طلایی، نقره‌ای و پرتزئین، معمولاً تک مناره بلند (و گاه مناره‌ها)، تزئینات زیاد و نقاشی‌های دیواری معنادار و استفاده از کاشی‌کاری‌ها، آینه‌کاری‌ها و غیره، استفاده از درخت و باغ
		قرار دادن مسجد جلوتر از مزار یا موازی با آن در پلان، نسبت به قبله، قرار دادن مسجد در راستای محور اصلی، استفاده حداقلی از درخت
		سلطه مسجد بر شهر، ایجاد گنبد بزرگ و مرتفع کاشی‌ولی پر تزئین، مناره‌های بلند، تزئینات و کاربرد رنگ‌های متنوع، تزئینات تجریدی، طبیعت‌تنزیه و کم‌تنوع همچون آب و نور

ویژگی‌های یاد شده و مبانی آن‌ها در این دو الگو باید هنگام طرح‌های جدید در شهرمزارها مورد توجه قرار گیرند، چرا که بنابر آن می‌توان شاهد دو نتیجه متفاوت از لحاظ نحوه ایجاد تشخیص بود.

پی‌نوشت

۱. واژه پرهیب برای مفهوم نیمرخ شهری یا سیلوئت (Silhouette) استفاده شده است.
۲. با توجه به سابقه بسیار کهن ری، مسجد جامع از قرن اول در آن احداث شده است ولی چه بسا حضرت عبدالعظیم در محله شیعیان دفن گردیده‌اند و این مسجد، مسجد جامع اولیه نباشد.
۳. نمونه‌هایی از این‌گونه تشخیص دادن به مسجد در دوره تیموریان مانند مسجد بی‌بی‌خانم سمرقند دیده می‌شود که حتی دارای تشخیصی بیش‌تر از مسجد گوهرشاد نیز بوده است (Pirmia, 2008b, 284).

References

- Al-e Ahmad, J. (1994). The new mosque of Qom: the honor of contemporary architecture. In *The Literature and Arts of Today's Iran*. Tehran: Mitra.
- Amaladass, A. (2007). Aesthetics and Religion from the Indian Perspective. *Aesthetics and philosophy of art (CONTEMPORARY PHILOSOPHY)*, (Volume 9 of Contemporary Philosophy: A New Survey), Floistad, Guttorm, Springer, 67-82.
- Arkoun, M. (2002). Spirituality and Architecture. (A. Petruccioli, & K. K. Pirani, Ed.). *Understanding Islamic architecture*. Aga Khan Program for Islamic Architecture, Routledge.
- Azam Vaghefi, H. (1995). *Natanz Cultural Heritage*. Tehran: Elmi and Farhangi.
- Bagherli, J. (2007). The architecture and development plan of Masoumeh holy shrine. *Journal of Abadi*, 54, 80-85.
- Beller, S. (2004). Inscription on Bastam tomb tower. (M. E. Zarei, Trans.). *Journal of Asar*, 37, 150-174.
- Berleant, A. (2007). Cultivating an Urban Aesthetic. In A. Berleant, & A. Carlson (Ed.), *The aesthetics of human environments*. Broadview Press.
- Bodvan. (2000). Isfahan in seventeenth century. *Journal of Asar*, 32, 190-227.
- Bor, W. (1996). City and the issue of recognition. (M. Molavi, Trans.). *Journal of Abadi*, 22, 28-33.
- Danesh, J. (2010). Fundamentals of formation and principals of organizing Islamic cities. *Journal of Iranian Islamic Cities*, 1, 15-32.
- Ghezeli, M. & Eskandari, M. (2006). *Sweet Facts*. Mashhad: Astan-e Ghods.
- Hamzehnejad, M., & Zarringalam, F. (in press). Recognition of downtown urban elements in Iranian urbanism styles. *Journal of Iranian Cities*.
- Kiani, M. Y. (2008). *Architecture of Iran (Islamic Period)*. Tehran: Samt.
- Lang, J. (1992). Symbolic aesthetics in architecture: toward a research agenda. (J. L. Nasar, Ed.). *Environmental Aesthetics: Theory, Research, and Application*. Cambridge University Press.
- Lang, J. (2007). *Creating Architectural Theory*. (A. Eynifar, Trans.). Tehran: Tehran University.
- Maslow, A. H. (1995). A Theory of Human Motivation. (W. A. Sundt, Ed.). *Selected readings in naval leadership for NJROTC students*, Naval Institute Press.
- Mehrazan Consulting Engineers. (2007). Abdolazim's paths urban design. *Journal of Abadi*, 54, 66-71.
- Mozayyeni, M. (2010). Culture and urban aesthetics. *Journal of Danesh-e Nama*, 180, 48-50.
- Naghi-Zadeh, M. (2010a). Aesthetic sense of presence in a city with notable landscape. *Journal of Danesh-e Nama*, 182, 68-82.
- Naghi-Zadeh, M. (2010b). Contemparation of the beauty of Naghsh-e Jahan square's image. *Journal of Danesh-e Nama*, 180, 104-121.
- Norberg-Schulz, C. (2008a). *Concept of Dwelling*. (M. YarAhmd, Trans.). Tehran: Agah.
- Norberg-Schulz, C. (2008b). *Architecture: Presence, Language, Place*. (A. SedAhmadian, Trans.). Tehran: Niloufar.
- Parisarad, P. (2008). *The role of language in the perception of space*, Conference proceedings of the 2nd international Superior City, Superior Design held in Hamedan. Conducted by Hamedan Municipality Civil Organization. Hamedan: Municipality Civil Organization.
- Petersen, A. (1996). *Dictionary of Islamic Architecture*. Routledge Press.
- Pirani, K. K. (2002). Discovering Concepts from Faith. (A. Petruccioli, & K. K. Pirani, Ed.). *Understanding Islamic architecture*. Aga Khan Program for Islamic Architecture, Routledge.
- Pirmia, M. K. (2008a). *Stylistics of Iranian Architecture*. (G. H. Memarian, Ed.). Tehran: Soroush Danesh.
- Porteous, J. D. (1996). *Environmental Aesthetics: Ideas, Politics and Planning*. Routledge.
- Rezvani, A. & Ayati, M. (2005). *In Search of Mashhad Urban Identity*. Tehran: Ministry of Housing and Urbanism.
- Ruggles, D. F. (2008). *Islamic gardens and landscapes*. University of Pennsylvania Press.
- Taghvayi, A. A., & Maroofi, S. (2010). The assessment of mosques' role in promoting the quality of environment.

Journal of Urban Management, 25, 219-234.

- Zargar, A., & Mortazavi, M. H. (2007). Najaf city and the development plan of Imam Ali holy shrine. *Journal of Abadi*, 54, 60-65.
- WWW user survey. (n.d.). Retrieved July 27, 2011, from <http://www.panoramio.com/user/2348105>
- WWW user survey. (n.d.). Retrieved July 28, 2011, from <http://www.abdulazim.com>.
- WWW user survey. (n.d.). Retrieved August 8, 2011, from <http://www.abdulazim.com>.
- WWW user survey. (n.d.). Retrieved June 15, 2011, from <http://haram.masoumeh.com/html/id/12/1/original/019.jpg>.